رئیس جمهور: افتخار ما حرکت در راه امام(ره) است

افتخار دولت این است که در مسیر امام و خط امام حرکت کند و در چارچوب سیاست‌های مقام معظم رهبری مسیر و راه را ادامه دهد. اگر بخواهیم این راه ادامه پیدا کند، راه آن عقلانیت، اعتدال، دوری از افراطی گری، از خودگذشتن و به فکر آرمان‌های بلند بودن است، همان آرمان‌هایی که امام بر آن تاکید داشت.

بر اساس آمارها، شاخص‌ها و وضعیت رفاه اجتماعی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بهتر شده است

میراث رفاهی انقلاب اسلامی ایران

•فؤاد شمس•

•خبرنگار•

در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه از جمله اهداف بنیادی دانسته شده و دولت موظف است برای تحقق اهداف مذکور برنامه‌ریزی کند و امکانات موجود و درآمدهای عمومی را به آن سمت سوق دهد. چنین وظیفه‌ای در هیچ‌یک از فصول و اصل‌های قانون اساسی و متمم قانون اساسی مشروطه سلطنتی بر عهده دولت نهاده نشده و شاید یکی از دلایلی که رژیم مشروطه سلطنتی را نسبت به رفاه اجتماعی، حفظ منافع عمومی و هدایت درآمدها به سمت مصالح جامعه بی‌تعهد کرده بود، نبود چنین مسئولیتی به شکل قانونی بر عهده دولت و سلطنت بود.

شاید این روزها به خاطر تبلیغات وسیع برخی رسانه‌هاست که نسل جوانی که دوران شاه را تجربه نکرده گمان می کند آن زمان رفاه اجتماعی بالا بوده‌است. شاید برخی تحت تاثیر این تبلیغات فکر کنند در دورانی که شاه کار طبخ اغذیه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را به رستوران ماکزیم پاریس داده بود، احتمالا وضع مردم ایران خیلی خوب بوده است. اما بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۳۵۱، مصرف کالری ۱۶ میلیون نفر، یعنی ۵۲ درصد جمعیت ایران، کمتر از حداقل نیاز بوده و ۴ میلیون نفر از این عده، یعنی حدود ۱۳ درصد جمعیت، به‌شدت دچار سوءتغذیه بوده‌اند. براساس گزارش‌های بین‌المللی منتشرشده، میزان متوسط کالری مصرفی ایران برای هر نفر در سال ۲۰۰۹، ۳۱۴۳ کالری است؛ در حالی که این میزان در سال ۱۹۶۱ برابر با ۱۷۴۷ کالری برای هر نفر بوده است و این وضعیت نشان از رشد تقریبی ۳ برابری است که نمایانگر بهبود وضعیت مردم است.

یرواند آبراهامیان، تاریخ‌نگار و استاد دانشگاه، در خصوص وضعیت معیشت مردم در دوران حکومت پهلوی می‌نویسد: «چهارده سال پس از انقلاب سفید، هنوز در ایران نسبت پزشک به بیمار بسیار اندک، میزان مرگ‌ومیر کودکان بالا و نسبت تخت‌های بیمارستان به جمعیت بسیار پایین بود. با وجودی که ایران در این دوره یکی از ثروتمندترین و پردرآمدترین کشورهای خاورمیانه بود، از نظر نسبت تخت بیمارستانی به جمعیت، از پایین‌ترین کشورهای خاورمیانه به حساب می‌آمد. ۶۸ درصد از بزرگسالان بی‌سواد بودند و شمار بی‌سوادان از سال ۴۰ به بعد درواقع از ۱۳ به حدود ۱۵ میلیون نفر افزایش یافت. کمتر از ۴۰ درصد کودکان کشور دوره دبستان را به پایان می‌رساندند و نسبت معلم به شاگرد در مدارس دولتی رو به کاهش بود. سالانه از بین ۲۹۰ هزار داوطلب تنها ۶۰ هزار نفر به دانشگاه راه می‌یافتند و از لحاظ درصد افراد دارای تحصیلات عالی، کشور همچنان یکی از ضعیف‌ترین کشورهای خاورمیانه بود.»

با وجود اینکه ایران در دوره پهلوی از نظر درآمد عمومی و نسبت این درآمدها به جمعیت کشور و سطح تقاضاهای جامعه در شرایط بسیار مناسبی قرار داشت، رژیم پهلوی هیچ‌گاه احساس نکرد که از محل این درآمدهای کلان اوضاع نابهنجار زندگی را بهبود بخشد. رژیم شاه و خاندان سلطنتی و الیگارشی وابسته، بیش از آنکه برآمده از نیازهای اجتماعی برای حل مشکلات جامعه باشند، تاجرانی بودند که جز به سود خود و شرکای تجاری خود و تجهیز ارتش حافظ نظام شاهنشاهی (که ادامه سیطره آنها بر ملت ایران را تضمین می‌کرد) هیچ سیاست دیگری را دنبال نکردند.

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی در زمینه بهداشت، تاسیس شبکه‌های بهداشتی- درمانی به منظور کمک‌رسانی به مردم است که از کوچک‌ترین روستاها تا شهرهای بزرگ کشور را تحت پوشش درمانی قرار می‌دهند. این شبکه‌ها همراه با بیمارستان‌ها و پلی کلینیک‌های تخصصی و بیمارستان‌های دانشگاهی با خدمات فوق‌تخصصی، مراکز بهداشتی-درمانی کشور را تشکیل می‌دهند. اگر رژیم شاه بخش بسیار ناچیزی از درآمدهای ملی را که به‌وسیله بنیاد پهلوی و سایر موسسات وابسته از کشور خارج می کرد، به بهبود اوضاع کشور اختصاص می‌داد، چه تحولاتی در کشور اتفاق می‌افتاد.

جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا با مشاهده اوضاع نابسامان بهداشت و درمان کشور، سرمایه‌گذاری قابل توجهی را متوجه این بخش کرد. به طوری که ظرف مدت سه دهه، با وجود فشار شرایط جنگ و بازسازی کشور، جمع پزشکان شاغل در بخش وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی را به بیش از ۲۷ هزار نفر افزایش داد. یعنی نزدیک به دو برابر آنچه در سال ۱۳۵۶ در بخش‌های دولتی و آزاد مشغول فعالیت بودند. اگر به مجموع پزشکان شاغل در بخش دولتی، پزشکان شاغل در بخش خصوصی را نیز اضافه کنیم، بی‌تردید فرآیند رشد بهداشت و درمان در کشور از شاخص‌های مناسبی حکایت خواهد کرد. بخش عمده‌ای از این رشد و توسعه رفاه عمومی در حوزه‌های مختلف مدیون رشد و توسعه تعاونی‌ها در روزهای بعد از انقلاب اسلامی بود.

■ تشکل‌های مردمی-تعاونی، کاهش فاصله طبقاتی و یک تجربه نیمه کاره

یکی از راهکارهایی که از همان اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی برای گسترش عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی اقشار مختلف به‌ویژه طبقات فرودست و روستایی کشور در دستور کار قرار گرفت، تشکیل تعاونی‌ها بر مبنای یک حرکت جهادی و تکیه بر توان و همیاری‌های مردمی برای زدودن چهره فقر و تزریق رونق اقتصادی و تقویت کسب‌وکارهای خرد در کشور بود. تجربه‌ای که خوب آغاز شد، نتایج زودهنگام و مثبتی هم به بار نشاند اما در دهه‌های بعد به حاشیه رفت و عملا تاثیرگذاری خود در اقتصاد کشور را از دست داد. شاید بد نباشد در سالگرد پیروزی انقلاب به برخی کارکردها و زوایای تجربه تعاونی‌ها در کشور نگاهی دوباره بیندازیم.

تعاون از ریشه «عون» به معنای یاری، نیکی و احسان است؛ نظام تعاون بیشتر در مقام تشویق صالحان برمی‌آید و پاداش را بر کیفر مقدم می‌داند. همچنین برای رسیدن به اهداف و موهبت‌هایی که خداوند معین کرده نباید اعمال یکدیگر را باطل کنیم، «لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ؛ کرده‌های خود را تباه مکنید» (سوره محمد/ آیه ۳۳).

درواقع تعاونی‌ها و تشکل‌های مردمی به این شکل در سال‌های پس از انقلاب توانستند الگوی رفتاری فراتر از انفاق به فقرا و نیازمندان را جا بیندازند. این تشکل‌های مردمی به‌عنوان یکی از راه‌های کمک به کاهش فاصله طبقاتی و بهره‌مندی تمام اقشار جامعه در سال‌های پس از انقلاب مورد توجه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند. به صورتی که در مورد آن حتی در اصول اقتصادی قانون اساسی هم به‌تفصیل صحبت شده است. اقتصاد تعاونی در کنار بخش خصوصی و دولتی به‌صورت یکی از بخش‌های سه‌گانه اقتصاد ایران تعیین شده است. البته در عمل راه بسیاری تا رسیدن به وضعیت آرمانی باقی مانده است.

تشکل‌های مردمی و تعاونی می‌توانند با تجمیع سرمایه‌های خرد و تمرکز بر سود کمتر، نقش موثری در اشتغال‌زایی از یک طرف و کاهش فاصله طبقاتی کشور از طرف دیگر داشته باشد. تعاونی‌ها با مشارکت مردمی می‌توانند در کاهش فقر و ایجاد و افزایش اشتغال‌زایی موثر واقع شوند. تفاوت این تشکل‌های مردمی و تعاونی‌ها با سایر نهادهای اقتصادی فعال این است که تعاونی مبتنی بر مشارکت همه اعضای خود است. درواقع روحیه مشارکت و اتفاق را در یک جامعه بالا می‌برد.

■ مزیت‌های تشکل‌های مردمی-تعاونی

در تعاونی‌ها گروه‌های مردمی در پی ایجاد اشتغال مولد و افزایش درآمد و سود هستند. چون سود تعاونی عاید تمامی اعضا می‌شود، کنترل ویژه اعضا بر فعالیت‌های اقتصادی تعاونی، امکان هرگونه سوءاستفاده و تخلف این تعاونی‌ها را منتفی می کند و باعث می‌شود سود تعاونی به صورت عادلانه میان اعضا تقسیم شود و در نتیجه اعضا مشارکت کاملی در تولید و فعالیت مورد نظر تعاونی داشته باشند و در این حالت افزایش درآمد و رفاه اعضا دور از ذهن نخواهد بود. با وجود اینکه از همان روزهای اول انقلاب تشکل‌های خودجوش مردمی در قالب تعاونی‌های مختلف تاسیس شدند و تجربیات گرانبها و موفقی هم داشتند، در سال‌های اخیر به این نهادهای اقتصادی و مردمی کم‌توجهی شده است و همین کم‌توجهی باعث شده با وجود این تعداد تعاونی و نقش مهم آنها در اشتغال‌زایی، سهم تعاونی در کشور همچنان ناچیز باشد. به گفته معاون تعاون وزارت کار این سهم هم‌اکنون ۵ تا ۶ درصد است، در حالی که هدف تعیین‌شده در برنامه پنجم توسعه رسیدن به سهم ۲۵ درصدی برای تعاون بود.

■ موانع فعالیت تعاونی‌ها

از آنجایی که تعاونی می‌تواند نقش ویژه‌ای در ایجاد اشتغال و انباشت سرمایه‌های خرد داشته باشد، و از آنجایی که مشکل اشتغال و بیکاری از جمله موضوعات اساسی مورد توجه دولت یازدهم است، توجه بیشتر به بخش تعاونی می‌تواند یکی از راهکارهای برون‌رفت از مشکلات در حوزه اشتغال باشد. با وجود تاکید مکرر معاون تعاون وزارت کار، تعاونی‌ها نتوانسته‌اند نقش کارآمدی در ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا کنند. نقش ۵ درصدی تعاونی‌ها در اقتصاد کشور موید این موضوع است. موانع پیش پای فعالیت تعاونی‌ها را در رویه‌های کلان جاری در اقتصاد ایران باید جستجو کرد. پس از دوران جنگ سلسله سیاست‌های اقتصادی در کشور اجرا شد که به تعاونی‌ها بهای چندانی نمی‌دهند. اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی به‌صراحت بیان می کند نظام اقتصادی ایران نه سرمایه‌داری است و نه سوسیالیستی. همچنین در مقدمه قانون اساسی نیز آمده اقتصاد نه هدف بلکه وسیله‌ای برای رفاه و بهروزی مردم است.

عدالت‌اقتصادی در قانون اساسی انقلاب

•یادداشت•

•حسین راغفر•

براساس اصل ۴۳ قانون اساسی، نگرش به اقتصاد تنها به صورت وسیله‌ای برای حفظ آزادگی افراد مجاز است. بند ۲ از اصل ۴۳ می‌گوید: «تامین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار آنان برای همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.» در ادامه آن، در اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی صحیح و منظم استوار است.

راه یافتن تعاون به قانون اساسی، این شیوه پسندیده که سابقا روشی اقتصادی تلقی می‌شد، از اعتبار مذهبی نیز بهره‌مند شد و عزم راسخ جمهوری اسلامی ایران به تحقق عدالت اقتصادی با توسل به همه روش‌های شناخته‌شده را آشکار کرد و بابی جدید را فرا راه مشتاقان قسط گشود.

در صدر دلایلی که تعاون را به‌عنوان بخش مسلط اقتصاد کشور مطرح می‌سازد باید به اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی اشاره کرد. از همان ابتدا هم قرار بود بعد از انقلاب تعاونی‌های مردمی شکل بگیرند و درواقع برای ایجاد رفاه و عدالت اجتماعی تاکید می‌شد که بهتر است کارها به خود مردم سپرده شود که فکر و اندیشه درستی هم بود. از طرفی این مشارکت مردمی در قالب تعاونی‌ها در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. ایران موقعیت خوبی به لحاظ جغرافیایی و انسانی دارد و برای محو فقر باید مشارکت در جامعه افزایش یابد. بعد از انقلاب شکل‌گیری یک نظام عادلانه‌تر اقتصادی می‌توانست بسیاری از مشکلات را حل کند و هدف انقلاب برای رسیدن به رفاه عمومی در کشور را نیز محقق سازد.

فقر قابلیتی چندبعدی دارد، برای حل آن نیز باید چندبعدی عمل کرد. فقر می‌تواند شامل فقر درآمدی، تغذیه‌ای، مسکن، سلامت و... باشد. بسیاری از افراد جامعه که در مشاغل غیررسمی فاقد پوشش بیمه‌ای فعالیت می کنند و دستمزدشان نیز ناچیز است توانایی عرضه خود را در بازارهای رسمی ندارند که این موارد خود بازتولید فقر به شمار می‌روند.

راهکار مسئله فقر قابلیتی این نیست که برنامه‌ای تهیه کنیم و پولی به حساب مردم بریزیم، اگر تعهدات قانون اساسی را به‌درستی عمل کنیم می‌توانیم با فقر مبارزه کنیم. اگر فردی در کپر درس بخواند، این‌گونه نیست که مسئله آموزش او حل شده است. کیفیت آموزش مهم است و فردی که تغذیه مناسب نداشته باشد، ظرفیت مغزی‌اش رشد نمی‌کند و در صورتی که آموزش صحیح نیز کسب نکند نمی‌تواند به دانشگاه راه پیدا کند.

نبود شغل دلیل فرار مغزها نیست، بلکه دستمزد ناکافی ده‌ها سال است منجر به فرار مغزها شده است. وقتی فردی در فرآیند اجتماعی مشارکت داده شود مطمئنا مشارکت اجتماعی در جامعه نیز افزایش می‌یابد.

راه‌حل از بین بردن نابرابری‌های اجتماعی عمل کردن به قانون اساسی و زیر چتر گرفتن همگان است.

بند «ج» اصل ۲ و بندهای ۴، ۶، ۸، ۱۲ و ۱۵ از اصل ۳ نیز حاکی از تاکید قانون اساسی بر تعاون و شیوه‌های تعاونی است. بنابراین در قانون اساسی تاکید زیادی بر تعاون شده است. در اصل ۴۳ جهت دستیابی به اهدافی ازجمله تامین استقلال اقتصادی جامعه، ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، ضوابطی برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران تعیین شده است؛ از جمله تامین شرایط و امکانات کار برای همه به‌منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، به صورت تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر، که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به‌صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.

در اصل ۴۴ قانون اساسی به‌روشنی تصریح شده است که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی صحیح و منظم، محدود شدن فعالیت‌های بخش دولتی در چارچوب معین و همچنین مکمل فعالیت‌های دولتی و تعاونی قرار گرفتن بخش خصوصی، وسعت قلمرو بخش تعاونی را به‌خوبی نشان می‌دهد. شروط تعیین‌شده برای حمایت قانون از مالکیت بخش‌های سه‌گانه خود از نقاط قوت بخش تعاونی و به‌منزله تاکیدی بر ضرورت گسترش آن به شمار می‌رود.

استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا

جهاد سازندگی و عدالت اجتماعی

•یادداشت•

•مسعود شهریاری•

پیش از انقلاب و قبل از افزایش درآمد نفتی، اقتصاد کشور مبتنی بر کشاورزی بود، اما همزمان با بالا رفتن درآمد نفتی نیاز به واردات کالاهای ساخته‌شده و مواد غذایی و کالای کشاورزی افزایش یافت، به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از تولید کشاورزی در مقابل واردات بی‌رویه محصولات نهایی از بین رفت. طی سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ قیمت نفت به‌شدت افزایش یافت، در عین حال طمع دولت به استفاده از درآمدهای نفتی نیز بیشتر شد، به گونه‌ای که در این سال‌ها دولت هرسال دو یا سه متمم بودجه تقدیم مجلس می کرد تا بتواند از درآمد نفت بیشتر استفاده کند و سهم نفت از درآمد کل کشور به بیش از ۸۵ درصد رسیده بود.

رهبر کبیر انقلاب اسلامی این تفکر را در اقتصاد ایجاد کرد که باید کشور خودکفا شود و از روز اول در این جهت حرکت کرد. خودکفایی از همان زمان شروع شد و امام راحل به مسئولان کشور مرتب گوشزد می کرد که در بخش‌های صنعت، کشاورزی، تولید و ساختمان باید خودکفا شویم. با توجه به ترکیب بودجه و هزینه‌های آن در کشور، از ابتدای انقلاب به نقاط محروم در جهت محرومیت‌زدایی توجه و احداث زیرساخت‌های رشد و توسعه اقتصادی در کشور شروع شد. صدور فرمان تشکیل جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد ۵۸ از سوی امام (ره) یکی از راهکارهای تحقق اهداف عدالت‌محورانه انقلاب بود. امام (ره) در پیام خود نیز تاکید کرد که وظیفه ذاتی جهاد سازندگی ایجاد رفاه حداکثری برای بسیاری از مردم است. وظیفه اصلی این نهاد انقلابی رسیدگی به امور محرومان و روستاها و احداث زیرساخت‌ها مانند جاده، آب آشامیدنی و برق بود، به‌گونه‌ای که قبل از انقلاب تنها ۲ درصد از روستاهای کشور دارای تاسیسات زیربنایی مانند آب‌لوله‌کشی و برق و جاده آسفالته بودند که بعد از انقلاب اسلامی آهنگ رسیدگی به روستاها و ایجاد تاسیسات زیربنایی بیشتر شد. در حال حاضر بیش از ۹۸ درصد روستاهای کشور از تاسیسات زیربنایی برق، آب‌لوله‌کشی، جاده و حتی گاز برخوردار شده‌اند. با گذشت زمان زیرساخت‌های توسعه اقتصادی به نقاط دوردست کشور رسوخ کرد. با شروع جنگ تحمیلی جهاد سازندگی علاوه بر انجام ماموریت بازسازی روستاها، که قبل از جنگ به آن مشغول بود، در جریان دفاع مقدس نیز فعالیت مهندسی و رزمی را برای پشتیبانی جبهه‌ها بر عهده گرفت. قبل از انقلاب اسلامی حدود نیمی از جمعیت کشور روستایی و نیم دیگر شهری بود، البته سال‌های قبل‌تر این نسبت بیشتر بود، مثلا در سال ۱۳۳۵ که جمعیت کشور حدود ۱۹ میلیون نفر بود، حدود ۱۳ میلیون نفر (تقریبا ۶۸ درصد) در روستا و ۶ میلیون نفر در شهرها زندگی می کردند و هرچه به عقب‌تر نگاه کنیم، جمعیت روستایی بیشتر بوده، اما در آستانه انقلاب اسلامی به خاطر مهاجرت به شهرها و از بین رفتن زیرساخت‌های روستایی جمعیت روستاها کمی بیش از نصف جمعیت کشور بود. تمام روستاها غیر از ۲ درصد محروم بودند، یعنی حتی آب‌لوله‌کشی، برق و جاده نداشتند. اما در حال حاضر این جریان برعکس شده و تنها ۲ درصد روستاها فاقد آب و برق هستند و بیش از ۹۸ درصد روستاها آب، برق و حتی گاز دارند.

استاد تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه

تعاونی‌ها، دستاورد انقلاب مردم

•یادداشت•

•فاطمه رضاپور•

انقلاب اسلامی باعث شد زنان نقش پررنگ‌تری در مناسبات اجتماعی و اقتصادی ایفا کنند. از این نظر برای حضور موثرتر آنان نیاز به برنامه‌ریزی بیش از گذشته احساس شد. در سال‌های پس از انقلاب یکی از راهکارها برای بهبود وضعیت معیشتی زنان در شهرها و روستاها، که درنهایت به نفع کل جامعه هم می‌شد، تشکیل تعاونی‌ها بود.

توانمندسازی افراد و خصوصا زنانی که ابزار کار ندارند، یکی از مزیت‌های اصلی تعاونی‌هاست. از حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد که تعاونی‌ها به‌عنوان بنگاه اقتصادی مطرح شدند، توانستند در کنار بخش خصوصی قرار بگیرند و خدمات ارزنده‌ای هم به تولیدکنندگان و هم به مصرف‌کنندگان عرضه کنند. در شرایط فعلی اقتصادی باید گفت، بخش تعاونی در مقابل بخش خصوصی قرار نمی‌گیرد بلکه بخش تعاون مکمل بخش خصوصی است و درواقع به بخش خصوصی خدمات‌رسانی می‌کند. تعاونی‌ها می‌توانند نقاط ضعف تولیدکنندگان کوچک در اتصال به لایه‌های مختلف بازار را پیدا و مرتفع کنند.

در سال‌های بعد از انقلاب، بزرگ‌ترین ظرفیت زنان تعاونگر این است که می‌توانند نگاه جامعه را نسبت به کار زنان تغییر دهند و بین زندگی خانوادگی و کاری آنها تعادل ایجاد کنند. درواقع تعاون ابزار کاهش فقر و نابرابری است و هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون شبکه گسترده‌ای از تعاونی‌ها به رفاه اجتماعی و کاهش فقر و نابرابری، که از اهداف قانون اساسی ما و آمال یکایک مردم کشور است، دست یابد. به همان میزان که روح تعاون و همکاری کاهش پیدا می کند عملکرد اقتصادی یک کشور هم کاهش می‌یابد. اما کارکرد دوم تعاونی‌ها که در دنیای مدرن شناخته شده و همه کشورها و حتی کشورهایی که شدیدا به اقتصاد آزاد اعتقاد دارند آن را پذیرفته‌اند، این است که تقویت و رشد تعاونی همواره ابزاری است برای کاهش نابرابری. وقتی انسان‌ها سرمایه‌ها و کار خود را در کنار یکدیگر قرار می‌دهند می‌توانند اقداماتی انجام دهند که حتی شاید یک شرکت خصوصی به‌تنهایی نتواند آن را انجام دهد.

برای استفاده از ظرفیت تعاونی‌های زنان باید به آنها آموزش داده شود و اطلاع‌رسانی مناسب صورت گیرد و اهمیت ارزش‌افزوده در تعاونی‌های زنان مورد توجه واقع شود. تشکل‌های تعاونی بهترین ابزار برای افزایش مشارکت اجتماعی زنان است. در شرایط فعلی که اقتصاد کشور نیازمند مقاوم‌سازی است نباید توانایی‌های زنان را نادیده بگیریم، هرچند زنان برای نشان دادن خلاقیت‌ها و توانمندی‌های خود تلاش می کنند ولی به کارگیری توانایی‌های این قشر از جامعه نیازمند برنامه‌ریزی است. یکی از موانع پیشرفت زنان بسنده کردن به نقش این قشر در خانواده است، در حالی که تجربه ثابت کرده زنان با حل مشکلات و موانع پیش رو به موفقیت‌های اجتماعی بسیاری دست یافته‌اند.

استفاده از ظرفیت‌های زنان علاوه بر جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی زمینه کاهش فقر و نابرابری و تربیت نسل را فراهم می‌کند. برای دستیابی به توسعه پایدار و ایجاد اشتغال باید به نقش اجتماعی و اقتصادی زنان توجه کرد.

پژوهش‌گر اجتماعی